

طرفدارای مانهوا بشتابید
ما فقط یه چنل تو **تلگرام** داریم
که کلی مانهوارو رایگان
براتون گذاشتیم.

@phoenix_saga

لطفا تو **چنل تلگراممون**
باشین و از جای دیگه ای
کارامونو نخونین!

@phoenix_saga

مرسی از حمایت و عشقتون
تیم فونیکس ساگا 



숨겨진 비밀한다

짜깍
짜깍

بانو برای قدم زدن
رفته بیرون؟

تازگیا برای گشت و
گذار بیرون می‌ره.

주심

هوا امروز به طرز
عجیبی صافه که تو این
منطقه خیلی نادره.

اینکه خودتو تو
دیوارهای قلعه حبس
کنی خیلی شرم آورده.

آه!

آب و هوا نمی تونه تنها
دلیل گردشش باشه.

ایه

منظورت چیه؟

هر موقع بانو تنهایی
بیرون می ره، همراه
دوک برمیگرده.

حالا که بهش
اشاره کردی...

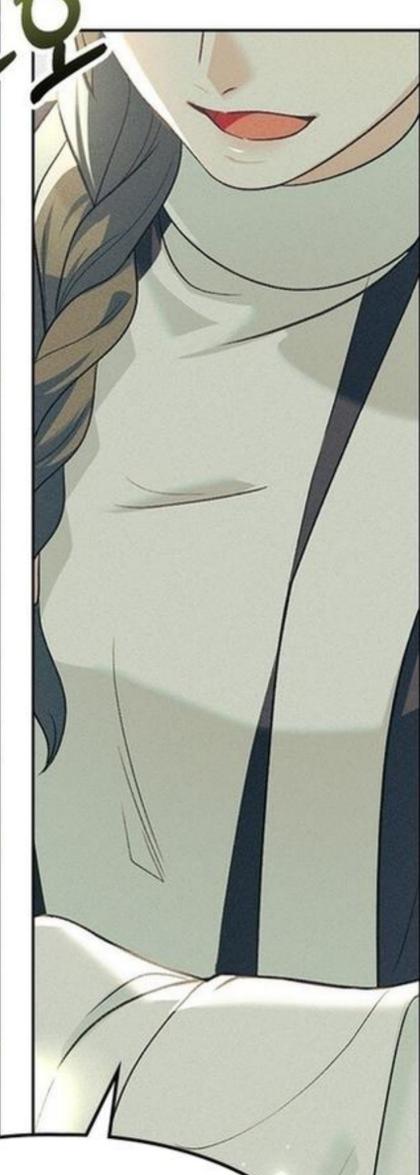
درسته!

به نظر میاد اونا
به هم نزدیک تر
شدن.



هو

کافرو

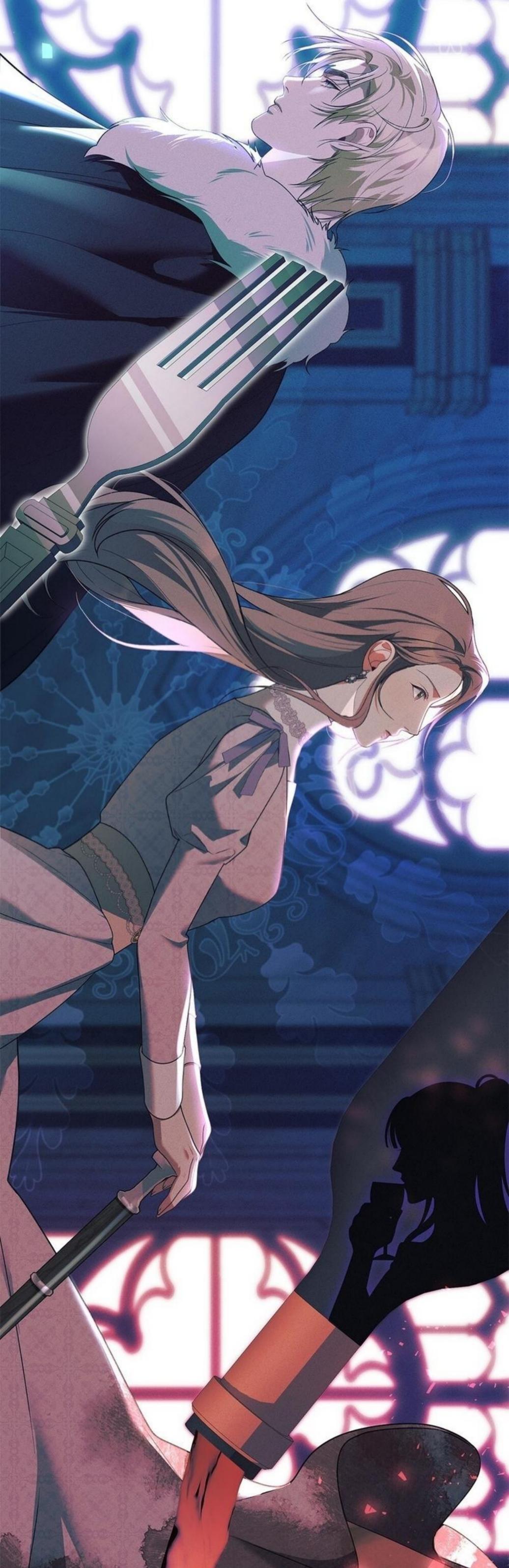


آره اخيرا به هم
نزدیکتر شدن.

یادمه وقتی که بانو
برای اولین بار به
قلعه اومد،



رابطشون چندان
امیدوار کننده به
نظر نمی رسید.



البته اونقدرام جای تعجب
نداشت، چون اون موقع شایعات
زیادی راجع به رابطه ی بین
اعلحضرت و ایزابلا سر زبون ها
بود.



ناگفته نمونه، که سرورم
به قتل مارشینس متهم
شده بود!

پس احتمالاً واسه اینکه
سرورم بانو رو از حکم
مرگ نجات دادن

عاشق هم
شدن!

این خیلی
رهائیکه

اینجوری منم
دلم می رفت...

نه،

من کاملاً
مطمئنم،

همه این چیزا
خیلی وقت پیش
اتفاق افتاده.

راجع به چی داری
حرف میزنی؟

احمقی؟

하아

작은

시

하아

하아

خب معلومه دارم راجع
به عاشق شدنشون حرف
میزنم.



하하

قانع شدم.

하

하하...

اوناقبل از همه ی
اون اتفاقا عاشق هم
شدن.

پای

عزیزم، عزیزم.

تاحالا برات پیش
نیومده که شاید وظایفمو
به هم بریزی؟



نه، نمی تونم
اینو بگم.

...

چطور باید
بزارمش...



فکر نمی کنم
ضروری باشه...



폼지락..

باردار بشم.

کلویی،

جدا فکر
می کنی،

스/익



من اینکارو فقط به
خاطر داشتن بچه
انجام میدم؟

خ-خب

طبیعیه.

چون مطمئن شدن
از تولد وارث یکی از
مهمترین تعهداتمونه.

사락

사락

و من باید روشن کنم که
تمایلی به انجام کارایی که
هدف مشخصی ندارند، ندارم.
میفهمم.

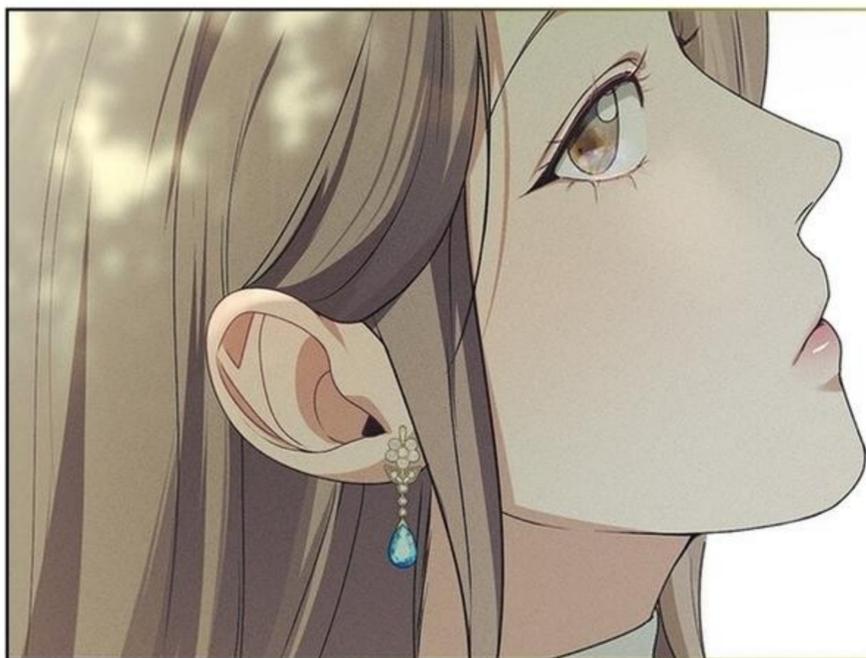
که اینطور.

사락!

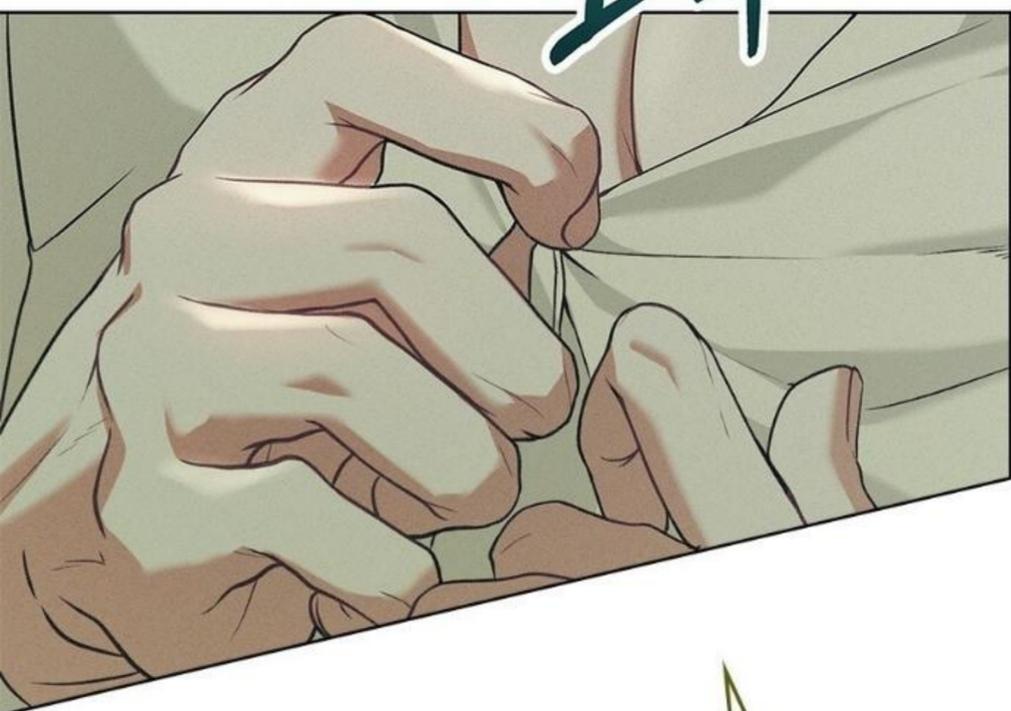
تنها چیزی که دنبالش
اینه که یه زمان لذت
بخش رو باهات سپری
کنم، همسر عزیزم.

사육

، و



توتوتو



با صرف نظر از اینکه
هدف ما ممکنه چی
باشه،



توک...

هر چقدر بیشتر
تلاش کنیم، بهتره.



사랑





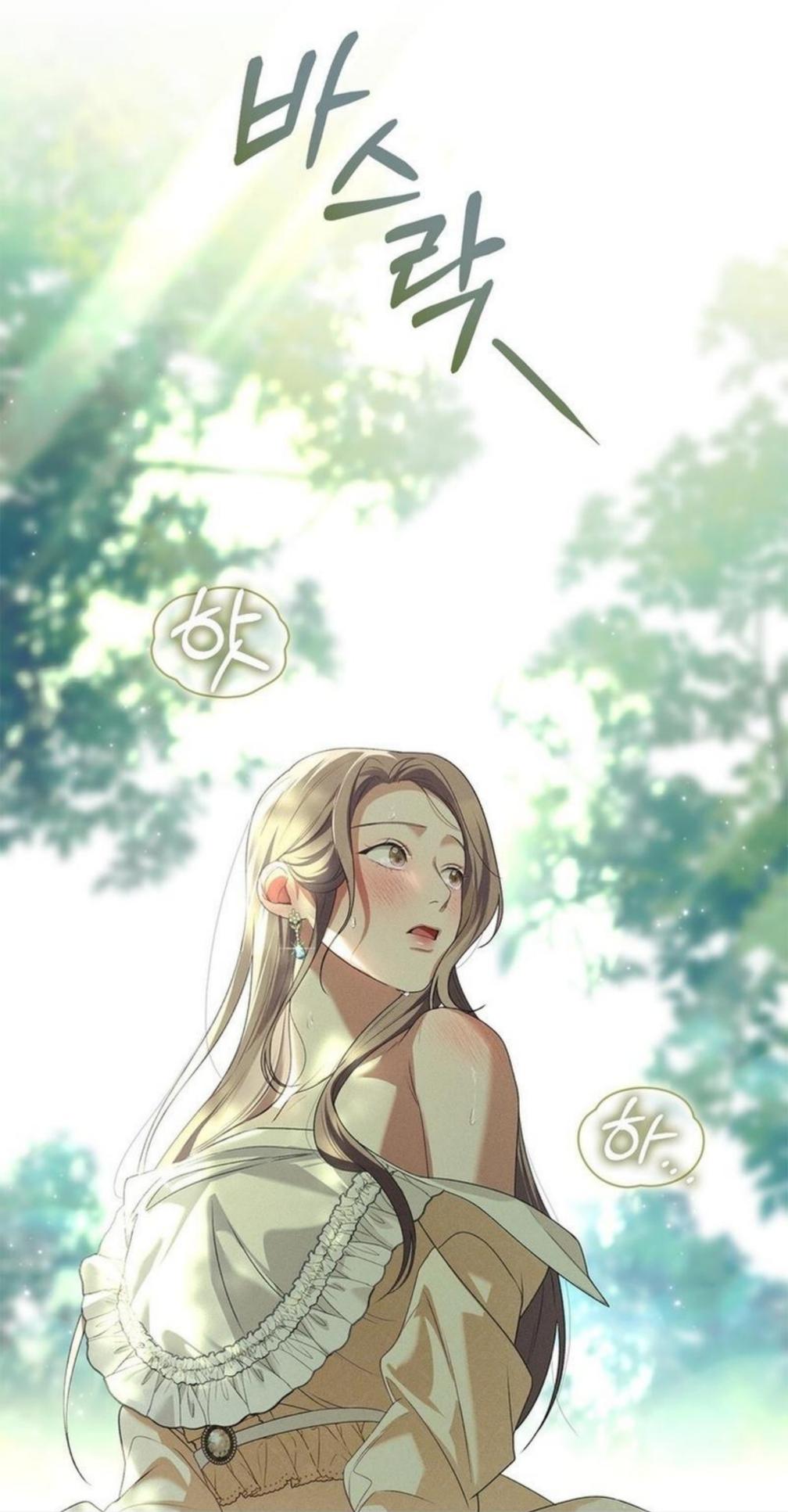
하아

하아



하아

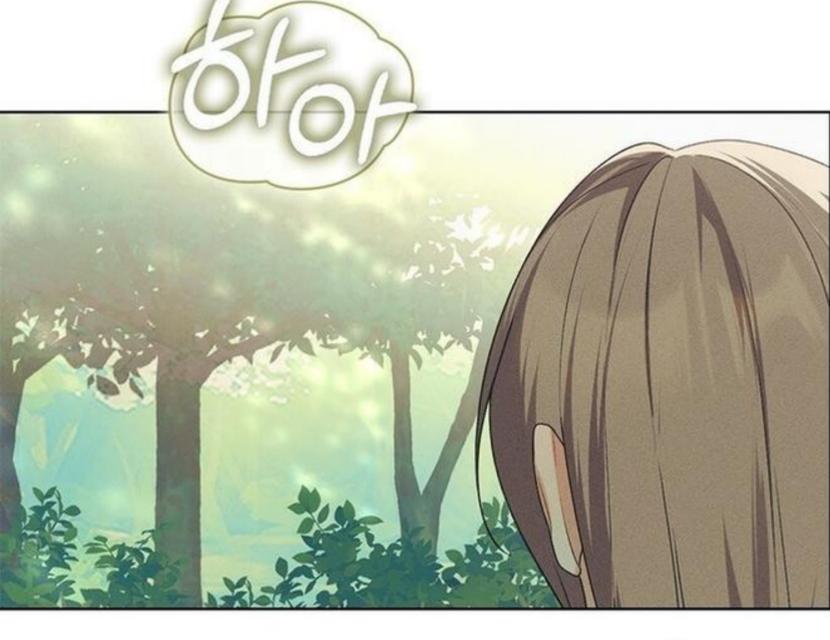
하



바스락

하

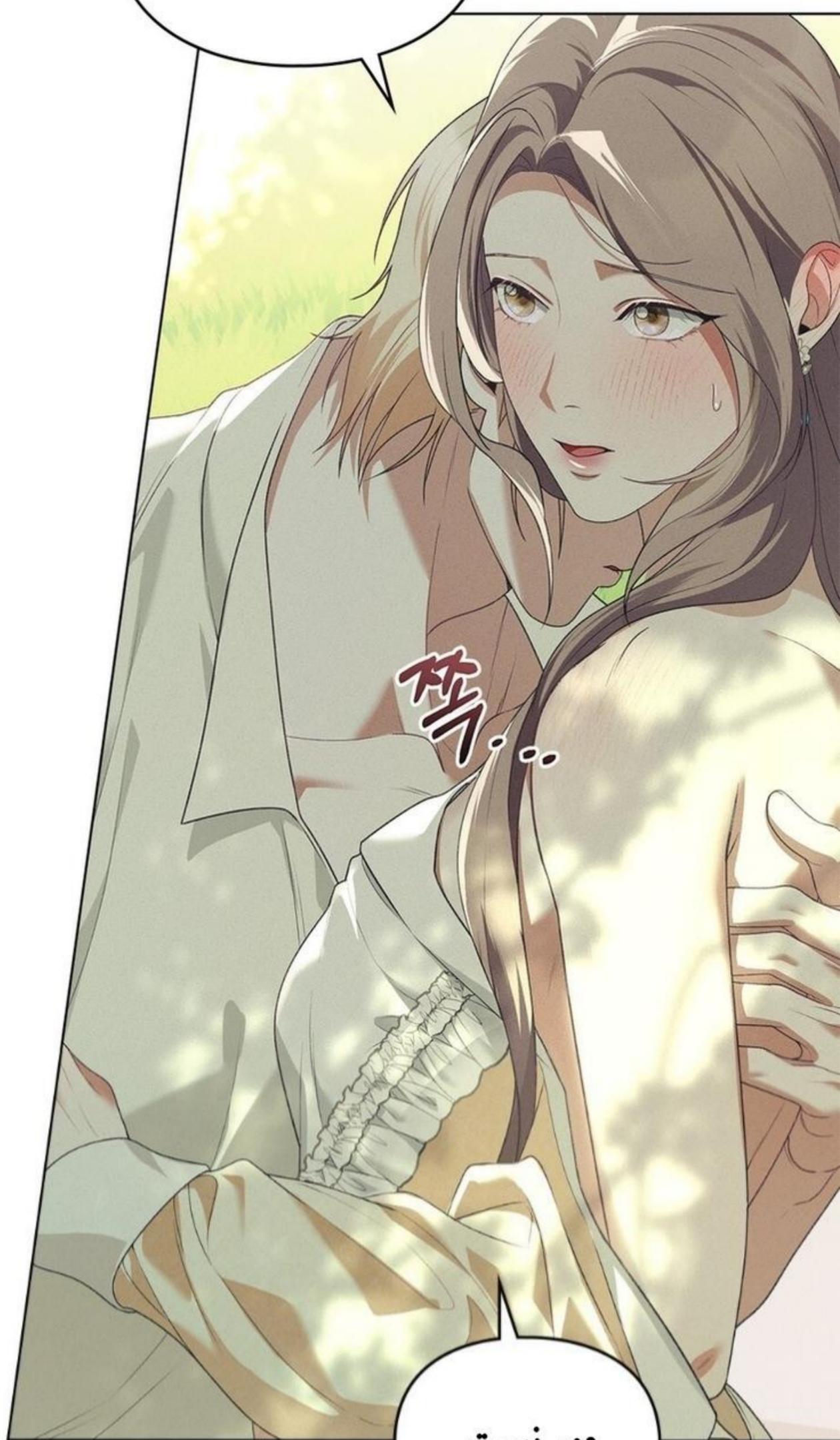
하



하아

하아..

فکر کنم یکی
اونجاست.



مهم نیست.

بهشون اهمیت
نده، کلویی.

포포씩

포옥

وقتی با من هستی،

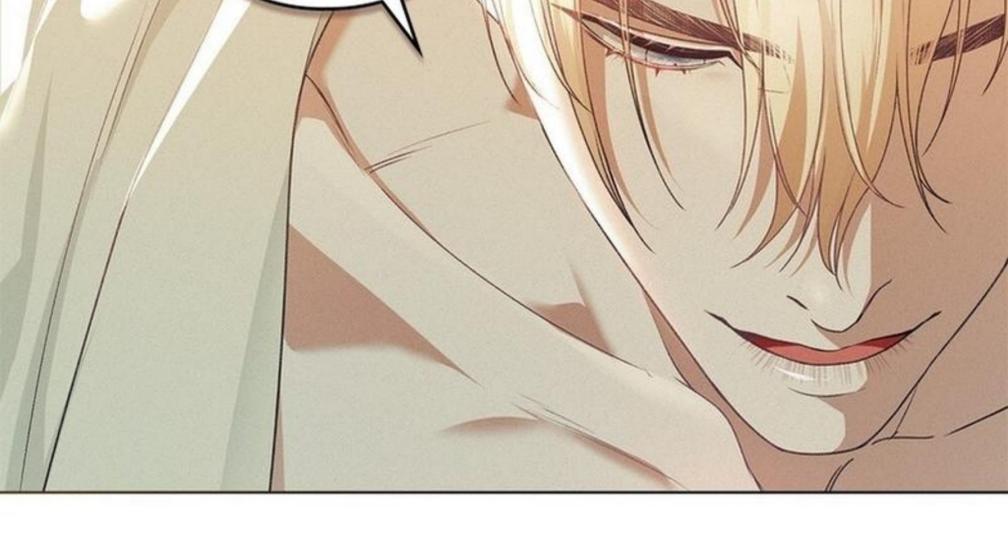
하아...

꼭옥

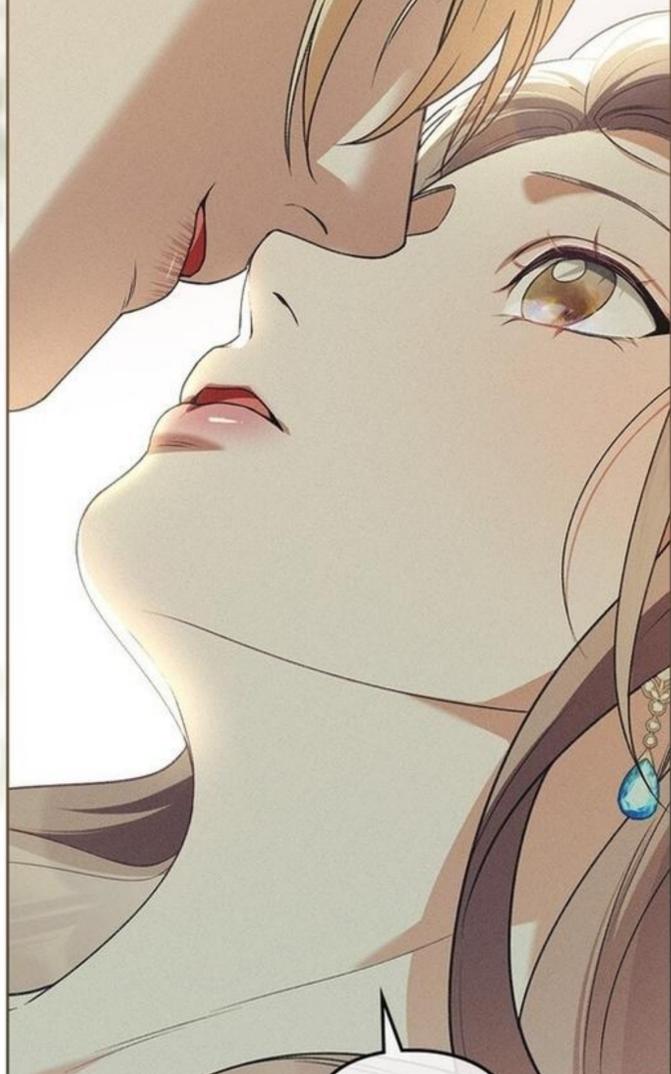
و حتی وقتی که کنارم نیستی،

می خوام توجهت به من باشه.

این...



وظیفه ی دوشسه.



.....



بله، سرورم.



اگه کسی
بخواد از کلویم
بپرسه که

برای چه چیز
راجع به شوهرش
ارزش بیشتری
فائده،

قبل از جواب
دادن به لحظه
مکث میکنه...

همم.

شاید مهارتهای
خاصش تو برنامه
ریزی؟



달그락.

بخشید؟

اون همیشه منو
درمورد جایی که
هست مطلع می‌کنه.

و وقتی اتفاقی
می‌افته سریع
خبرم می‌کنه.

بانوی من،

مطمئن نمی‌تونین
بگین این بزرگترین
قدرت ایشونه.

علاوه بر این، به نظر میاد
مثالی که زدین با برنامه
ریزی یکم مشکل داره...

خب...

چیزای زیادی هست
که میتونم بهشون فکر
کنم.

فَبِأَنَّ دَرْمُورِدَ عَيْبِ هَاشِ
بِپَرَسِ، فَبِئَلَى الرَّهْمَتِ مَيْتُونَم
دِه تَاشو بَرَات بَلَم.

بانوی من ، با دیدن
شور آتشین تو چشمای
اعلحضرت ، قلبتون
نمی لرزه؟

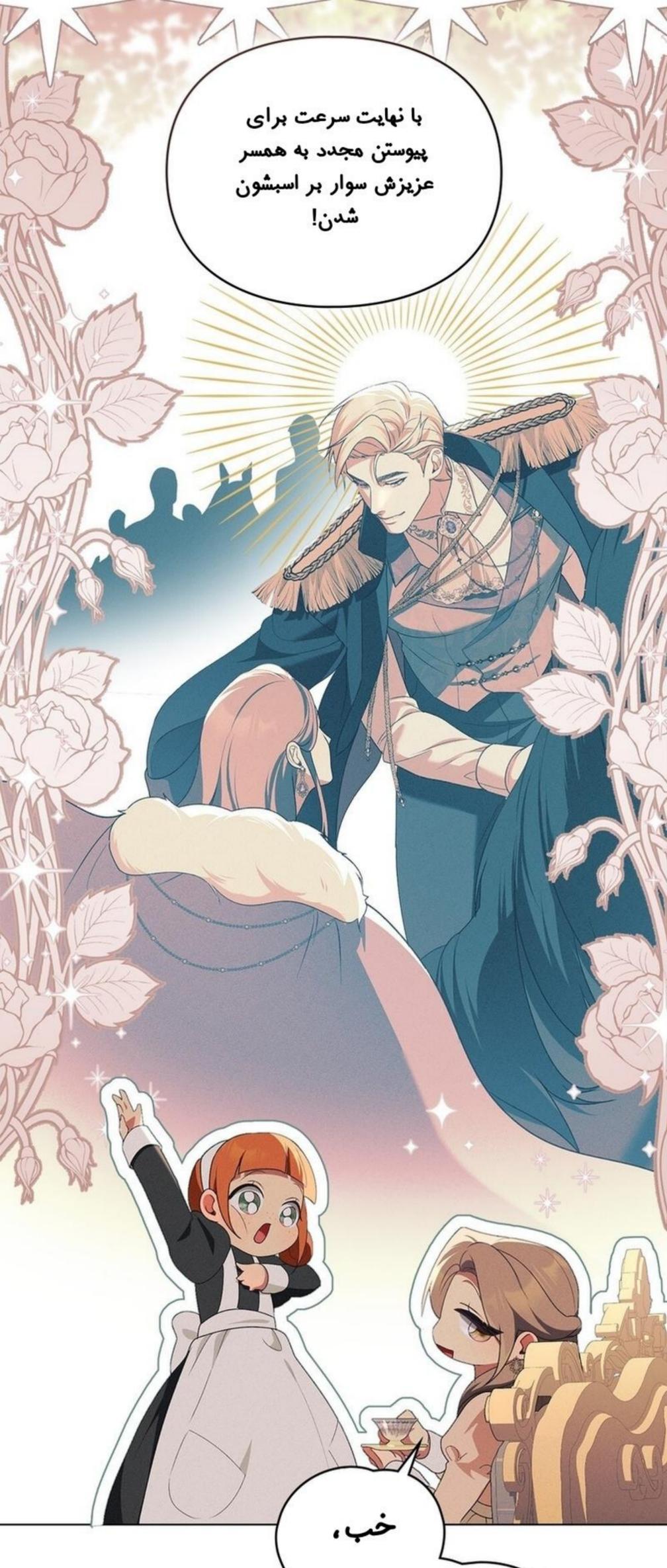


چشماش بیشتر
منو یاد دریاچه یخ
زده میندازه.

ولی ایشون بعد
پنج روز از کاخ
سلطنتی برگشتن،



با نهایت سرعت برای
پیوستن مجدد به همسر
عزیزش سوار بر اسبشون
شدن!



خب،

احتمالا کارش تو
کاخ زودتر از حد
انتظار تموم شده.

~*~*~*~
بانو،

مطمئنم اینطور
نیست.



ایشون حتی یه لحظه
هم نمی تونن تحمل
کنن از شما جدا بشن.

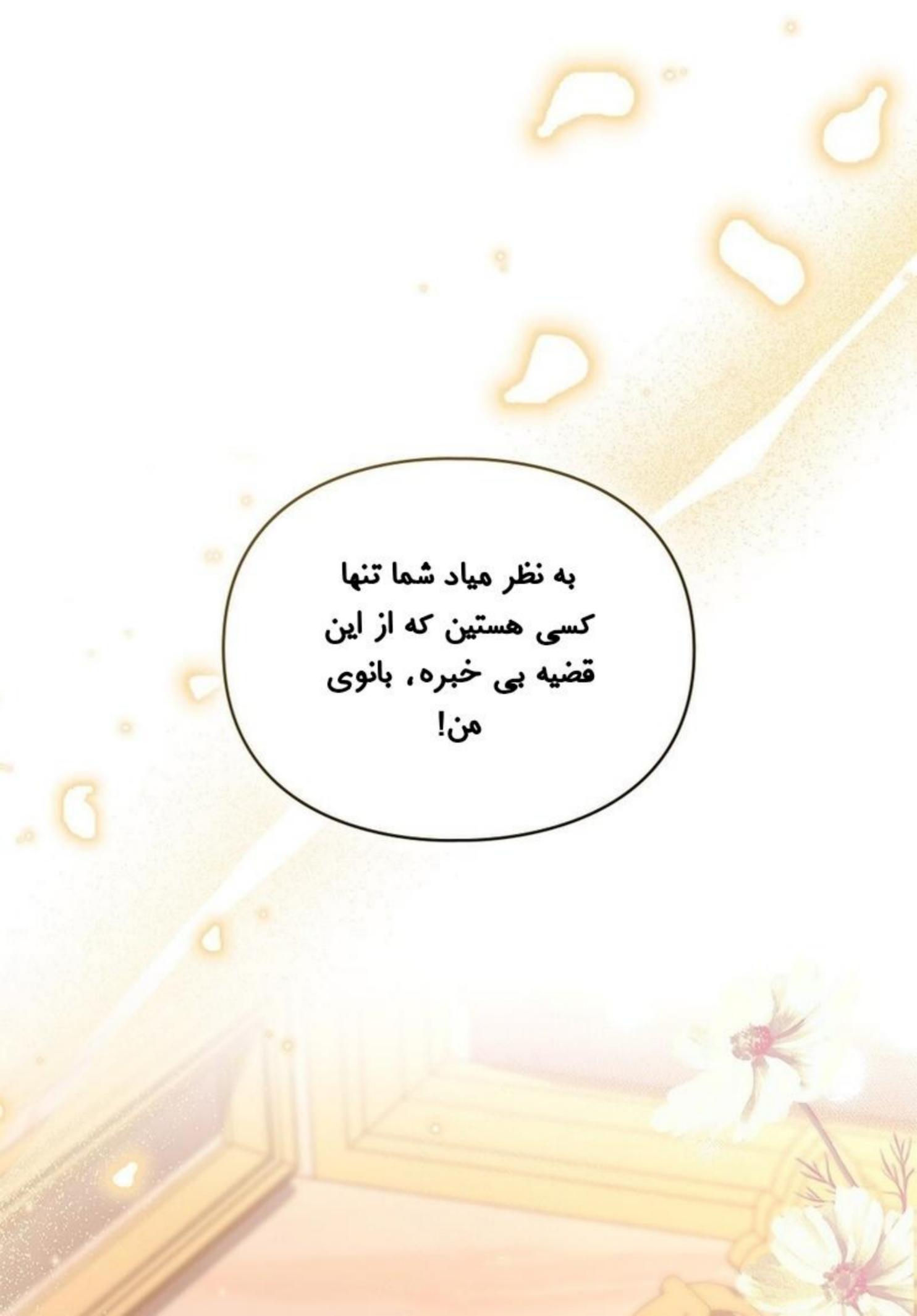
میدونین به این
چی میگن؟

찰랑



بهش میگن
عشق!

به نظر میاد شما تنها
کسی هستین که از این
قضیه بی خبره، بانوی
من!





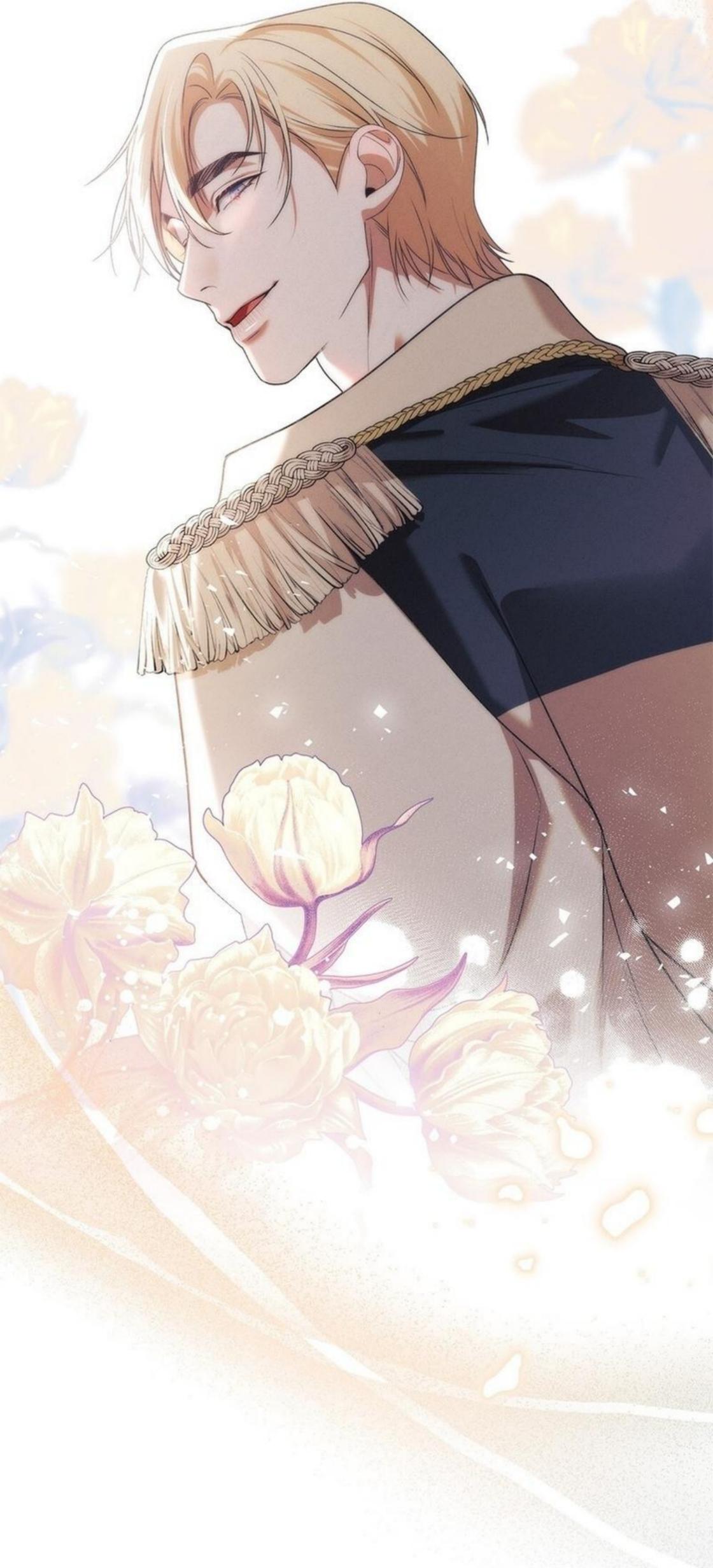
تکون

هوا و آه



عشوق؟

همسرم...؟



نه، نمی‌تونم
اینطور باشم.

نمی‌تونم همین
الکسانی به من داشته
باشم.



اه، یادم
اومد!

بانوی من، شما
هم اینو شنیدین؟



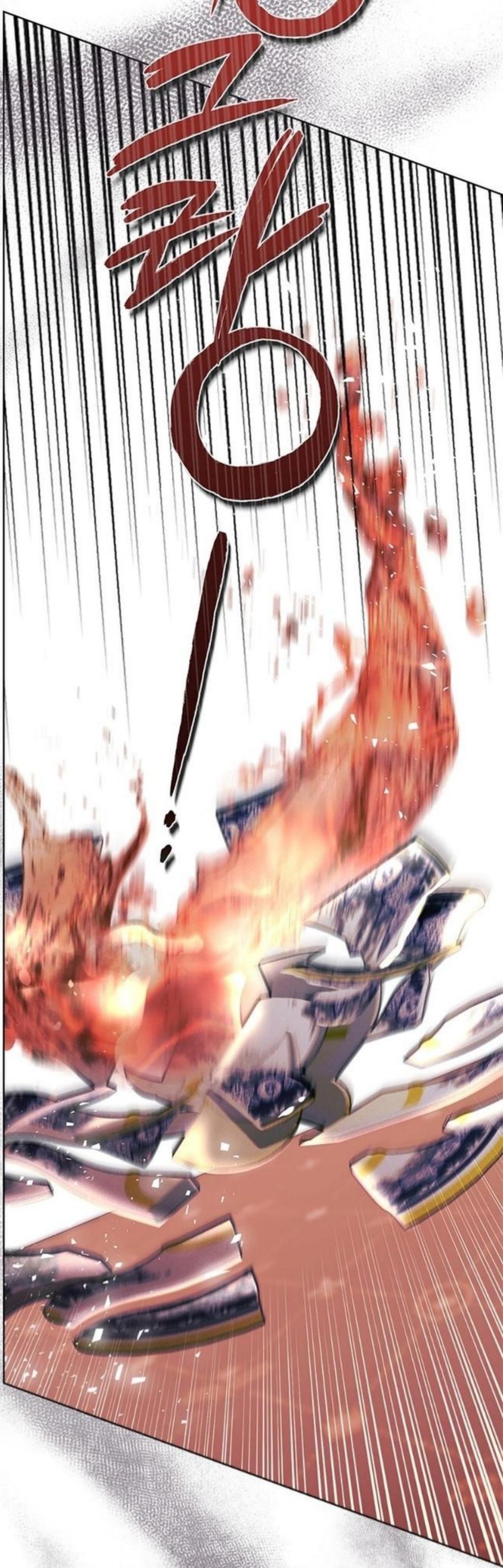
یکی از خدمتکارا به من گفت...
خب...

소곤

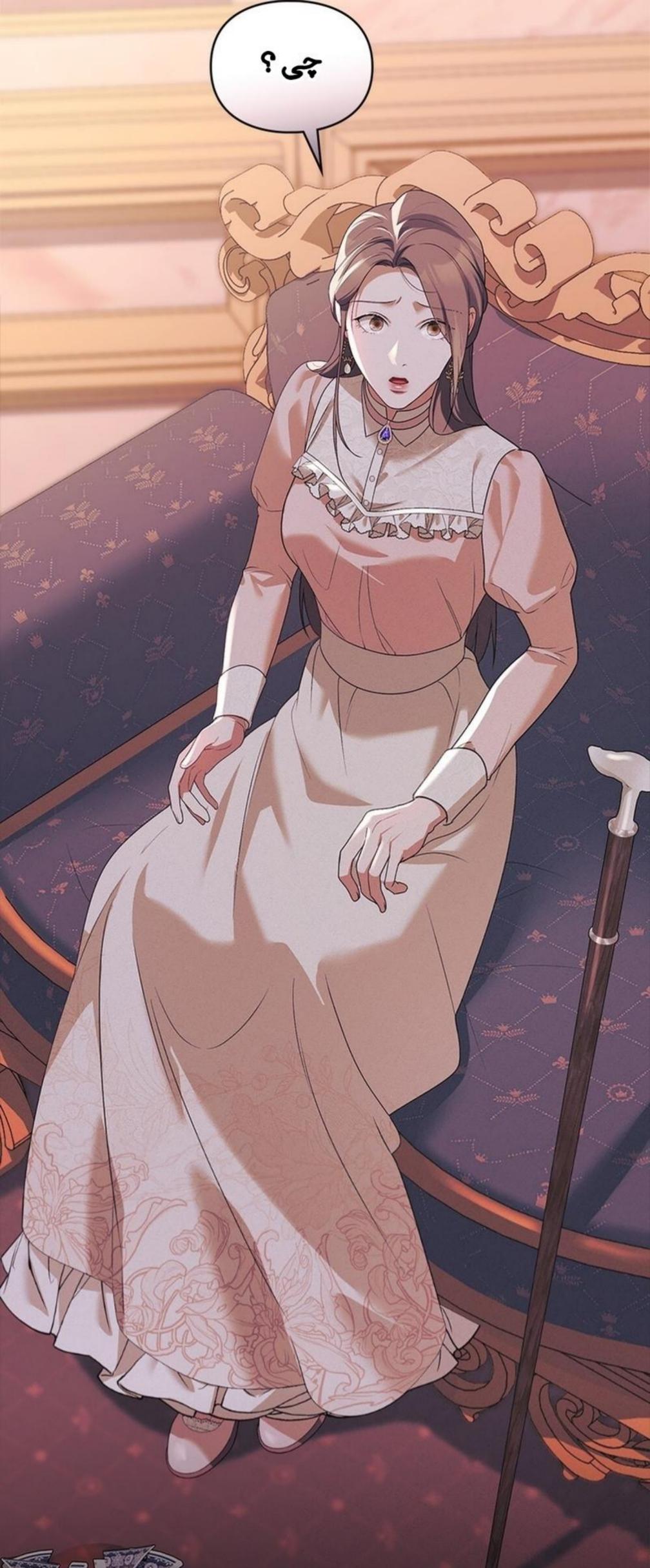


狂

狂



چی؟



الان چی
مفتی؟



@PHOENIX_SAGA



TRANSLATOR: maple

EDITOR: Undertaker

هرگونه کپی ممنوع می باشد.